



An Analytical Examination of the Role of the Characteristics of a Qur'an-Based Ethical System in Redesigning the Faith-Oriented Life

Reyhaneh Poorkhalili¹, Ali Ghanei Ardakan², Mostafa Zareyi Balotbangan³

1. Corresponding author, Ph.D Student in Quranic and Hadith Studies, University of Quranic Studies and Sciences, Ph.D Student (Level 4), Jameat-ol-Zahra (as), Qom, Iran, orcid: 0000-0002-7542-9544, E-mail: r.poorkhalili@yahoo.com
2. Ali Ghaenei Ardekan, Ph.D. in Tafsir and Quranic Sciences, Secretary of the Academic Department of Tafsir, Jameat-ol-Zahra, Qom, Iran, E-mail: ghanei83@yahoo.com
3. Mostafa Zareyi Balot Bangan, Ph.D Student in Quranic and Hadith Studies, Univesity of Kashan, Iran M.zareyi@chmail.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received
Received in revised form
Accepted
Available online
(Times New Roman 9)

Keywords:
Ethics
Ethical system
Qur'an-based ethics
Characteristics of the Qur'anic ethical system
faith-oriented life

(Times New Roman 9)

ABSTRACT

Ethics, as a comprehensive behavioral framework, governs human relationships with God, the self, and others, and defines the modes of living in both individual and social spheres based on moral virtues. The Holy Qur'an, through its guiding principles, leads humanity toward spiritual growth and perfection, establishing a coherent and integrated ethical system for (re)designing the faith-oriented life. Rooted in the principles of monotheism, eternity, duty-centeredness, value-centeredness, free will, and an innate (fitrah-based) disposition, this system offers a dynamic and holistic framework for a believer's way of life. This study aims to provide an analytical investigation into the fundamental characteristics of the Qur'an-based ethical system, addressing the central question of how these attributes can reshape the faith-oriented life in response to the challenges of the contemporary era. It examines the key features of this system that structure and sustain a religious way of living in modern societies. Methodologically, the research employs an analytical-thematic approach grounded in Qur'anic exegesis. The findings reveal that, by integrating theoretical foundations with practical applications, these characteristics make the Qur'an-based ethical system an effective model for addressing contemporary moral and social challenges, while guiding humanity toward both worldly prosperity and eternal salvation. The study concludes by offering practical recommendations and actionable strategies for incorporating this system into current social contexts.

Cite this article: با توجه به شیونامه نشریه، شیوه استناد به مقاله را تنظیم کنید: نام خانوادگی، نام کوچک (حرف اول نام). (سال نشر). عنوان مقاله. نام نشریه (به صورت ایتالیک)، (شماره دوره)، شماره نشریه، آغاز و پایان صفحات مقاله. شناسه دیجیتال دی‌اوی. نام نشریه



© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences

بازطراحی زیست مؤمنانه بر پایه ویژگی‌های نظام اخلاقی قرآن بنیان

ریحانه پورخلیلی^۱ | علی قانعی اردکان^۲ | مصطفی زارعی بلوط بنگان^۳

نویسنده 1✉

^۱ نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم؛ دانش پژوه سطح ۴ رشته تفسیر تطبیقی، جامعه الزهرا س،

قم، ایران r.poorkhalili@yahoo.com

نویسنده ۲

^۲ دکترای تفسیر و علوم قرآن، دبیر آموزش گروه علمی تفسیر جامعه الزهرا س، قم، ایران ghanei83@yahoo.com

نویسنده ۳

^۳ مصطفی زارعی بلوط بنگان، دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه جامع کاشان، ایران M.zareyi@chmail.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله: پژوهشی

اخلاق به‌عنوان نظامی رفتاری، روابط انسان با خدا، خود و دیگران را تنظیم کرده و چگونگی زیستن را در ابعاد فردی و اجتماعی بر پایه ملکات نفسانی تبیین می‌نماید. قرآن کریم با ارائه آموزه‌های هدایت‌بخش، بشریت را به سوی رشد و تعالی رهنمون نموده و نظام اخلاقی منسجمی برای بازطراحی زیست مؤمنانه بنیان می‌نهد. این نظام، با تکیه بر اصول توحیدگرایی، جاودانگی، تکلیف‌گرایی، ارزش‌گرایی، اختیارگرایی، فطرت‌گرایی، ظرفیت‌بازآفرینی و ساماندهی زیست مؤمنانه را در مواجهه با چالش‌های معاصر ارائه می‌دهد. پژوهش حاضر با هدف بررسی تحلیلی نقش ویژگی‌های بنیادین نظام اخلاقی قرآن بنیان، به این پرسش پاسخ می‌دهد که چگونه این ویژگی‌ها می‌توانند زیست مؤمنانه را در مواجهه با چالش‌های عصر حاضر بازطراحی کنند. این مطالعه به بررسی ویژگی‌های کلیدی این نظام می‌پردازد که زیست ایمانی را در جهان معاصر سامان می‌بخشد. روش پژوهش، تحلیلی - مضمونی است که با استناد به آیات قرآنی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که این ویژگی‌ها، با پیوند میان مبانی نظری و کاربست‌های عملی، نظام اخلاقی قرآن بنیان را به الگویی کارآمد برای هدایت تحولات فردی و اجتماعی بر مدار ایمان بدل می‌سازد. چارچوب نظری ارائه‌شده، با تبیین نظام‌مند روابط میان ویژگی‌های اخلاقی قرآن بنیان و مؤلفه‌های زیست مؤمنانه، افقی نو برای تعمیق فرهنگ ایمانی در عرصه‌های فردی و جمعی می‌گشاید و می‌تواند مبنایی برای طراحی برنامه‌های تربیتی، آموزشی و فرهنگی متناسب با شرایط جوامع معاصر باشد.

کلیدواژه‌ها:

اخلاق، نظام اخلاقی، اخلاق قرآن بنیان، زیست مؤمنانه

استناد: با توجه به شیوه‌نامه نشریه، شیوه استناد به مقاله را تنظیم کنید: نام خانوادگی، نام کوچک (حرف اول نام). (سال نشر). عنوان مقاله. نام نشریه (به صورت ایتالیک)، (شماره دوره)، شماره نشریه، آغاز و پایان صفحات مقاله. شناسه دیجیتال دی‌او‌ای.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

مقدمه

بشریت جهت رشد و تعالی خویشتن و جامعه، نیازمند و ملزم به رعایت اصول و ضوابطی به عنوان مبنای زیست خویش است.

قرآن کریم به عنوان منبع جاودانه هدایت و مرجع نظام‌سازی اخلاقی، با ارائه چارچوبی جامع و پویا، امکان بازطراحی زیست مؤمنانه را در همه اعصار فراهم می‌آورد. این پژوهش با هدف تحلیل ویژگی‌های بنیادین این نظام و در پاسخ به پرسش اصلی که «این ویژگی‌ها چگونه می‌توانند زیست مؤمنانه را در مواجهه با چالش‌های عصر حاضر بازطراحی کنند؟» با روش تحلیل مضمونی و رویکرد نظریه‌پردازی، مبتنی بر شواهد مستقیم آیات قرآن کریم انجام می‌شود.

با توجه به ضرورت روزافزون بازنگری در نظام اخلاقی جوامع اسلامی و نقش محوری آن در ساماندهی زیست فردی و اجتماعی، بررسی مطالعات پیشین در این حوزه امری اجتناب‌ناپذیر است. برای تبیین جایگاه پژوهش حاضر، منابع مرتبط با کلیدواژه‌هایی چون «نظام اخلاقی قرآن‌بنیان»، «زیست مؤمنانه»، «اخلاق اسلامی» و «مدل‌سازی اخلاق قرآنی» از پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر داخلی گردآوری گردید.

معیارهای گزینش این مطالعات بر سه محور اصلی استوار بوده است:

۱. پیوند مستقیم یا غیرمستقیم با استخراج ویژگی‌های اخلاقی بر اساس آیات قرآن کریم؛
 ۲. رعایت اصول روش‌شناسی علمی متناسب با پژوهش‌های قرآنی و علوم انسانی؛
 ۳. هم‌پوشانی با هدف اصلی این تحقیق یعنی پیوند ویژگی‌های نظام اخلاقی قرآن‌بنیان با بازطراحی زیست مؤمنانه.
- مطالعات مرور شده را می‌توان در دو دسته کلی جای داد:

دسته نخست شامل آثاری است که بر اصول و چارچوب‌های کلی نظام‌سازی قرآنی تمرکز دارند و بیشتر به تصویر کلان و نظری این نظام پرداخته‌اند. به عنوان نمونه، کتاب «نظام‌سازی قرآن: نظام اجتماعی و نظام اخلاقی» نوشته محمدصادق یوسفی مقدم و امیرحسن شیعی (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۰)، چارچوب مفهومی و ابعاد نظام اخلاقی قرآن را از طریق مصاحبه‌ها و تحلیل نظری تبیین کرده و مدلی مفهومی ارائه داده است. همچنین کتاب سیدعلی‌اکبر حسینی رامندی با عنوان «درآمدی بر مؤلفه‌های نظام اخلاقی قرآن» (دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۹۹) با رویکرد مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل مفهومی، به شناسایی و توضیح مؤلفه‌های کلیدی مانند توحیدگرایی، فطرت‌گرایی و اعتدال‌گرایی پرداخته است. مقاله «نظام‌سازی قرآن‌بنیان: چستی، چرایی و چگونگی» (قبسات، ۱۳۹۷) نوشته حسین بابایی مجرد و محمد عبدالحسین‌زاده مراحل تحقق نظام‌سازی قرآن‌بنیان را بر اساس تحلیل مفهومی تشریح کرده است.

دسته دوم به پژوهش‌هایی اختصاص دارد که به تحلیل مؤلفه‌ها و محورهای اخلاقی در حوزه‌های فردی یا اجتماعی پرداخته‌اند، هرچند پیوند مستقیم این مؤلفه‌ها با الگوی بازطراحی زیست مؤمنانه در آن‌ها کم‌تر دیده می‌شود. از این دسته می‌توان

به کتاب عبدالله دراز با عنوان «دستور الأخلاق فی القرآن» (دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۲۳ق) به تحلیل محتوای آیات پرداخته و احکام و ارزش‌های اخلاقی قرآن را ساختاردهی و نظم‌بخشی کرده، اشاره نمود. همچنین کتاب مرتضی زاهدی با عنوان «نظام‌شناسی و نظام‌سازی بر اساس قرآن» (انتشارات آریایی، ۱۴۰۲)، مبانی نظری و الزامات نظام‌سازی قرآنی را با تمرکز بر ارتباط اصول این نظام با اخلاق اسلامی بررسی کرده است. مقاله علیرضا پیشرو، جعفر تابان و یدالله ملکی با عنوان «بررسی تطبیقی محورهای اصلی تربیت فردی و اجتماعی در نهج‌البلاغه و اصول اخلاقی» (اخلاق زیستی- علمی پژوهشی، ۱۳۹۹) به شیوه توصیفی-تحلیلی، ابعاد تربیت اسلامی در سیره امام علی علیه‌السلام مانند عدالت، معاشرت نیکو، صبر، بخشندگی، نفی خودستایی و ظلم‌ستیزی را تبیین و مقایسه کرده است.

با مرور انتقادی مطالعات یادشده، سه کاستی عمده نمایان می‌شود:

۱. تمرکز ناکافی بر استخراج مستقیم ویژگی‌های قرآن‌بنیان نظام اخلاقی؛

۲. نبود پیوند روشن میان این ویژگی‌ها و بازطراحی زیست مؤمنانه؛

۳. فقدان مسیرهای اجرایی متناسب با شرایط امروز برای عملیاتی کردن یافته‌ها.

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیلی-مضمونی و رویکرد نظریه‌پردازی، این شکاف‌ها را پوشش داده و نوآوری خود را در دو محور اصلی دنبال می‌کند: (الف) استخراج جامع ویژگی‌های بنیادین نظام اخلاقی قرآن از متن آیات و با استناد روشمند تفسیری؛ (ب) ارائه الگویی کاربردی برای بازطراحی زیست مؤمنانه بر پایه این ویژگی‌ها، همراه با پیشنهادها برای عملیاتی کردن آن در بستر معاصر.

۱. مفهوم‌شناسی

جهت تحلیل خصایص نظام اخلاقی قرآن‌بنیان، تبیین مفاهیم کلیدی نظام اخلاقی، زیست مؤمنانه و نظام‌سازی قرآن‌بنیان با تأکید بر تعریف لغوی، اصطلاحی و نظر برگزیده ضروری می‌باشد.

۱-۱. نظام اخلاقی

«نظام اخلاقی» در این پژوهش مفهومی مرکب از دو رکن «نظام» و «اخلاق» است. «نظام» بیانگر ساختاری هماهنگ و غایت‌مدار است که اجزا و خرده‌نظام‌های آن در پیوندی هدفمند و معنابخش، کلیتی واحد را شکل داده و مسیر زیست فردی و اجتماعی را به سوی کمال جهت‌دهی می‌کند (رشاد، ۱۴۰۲، ص. ۱۴۱؛ طباطبایی، ۱۳۹۳، ج. ۱، ص. ۱۲). معیار نظام‌مندی، انسجام درونی اجزا و حرکت همسو به سوی مقصد مشترک است.

«اخلاق»، چگونگی زیستن در دو بُعد فردی و اجتماعی بر مبنای ملکات نفسانی پایدار است که بدون نیاز به تردید و تأمل، کنش‌های نیک یا ناپسند را پدید می‌آورد (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج. ۱، ص. ۱۲۳؛ صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج. ۸، ص. ۱۳۲). این

بعد، در نگاه اسلامی، مسیری برای گذار از حالت حیوانی به حقیقت انسانی و دستیابی به کمال انسانی است و معیار آن، انطباق رفتار و نگرش با عقل، فطرت و وحی است (هاشمی خویی، ۱۴۲۴، ج. ۱، ص. ۴۷).

ترکیب این دو، «نظام اخلاقی» را به مثابه منظومه‌ای منسجم، وحی مدار و تعالی‌گرا پدید می‌آورد که ضمن پیوند دادن مبانی نظری و سازوکارهای عملی، توان سامان‌دهی حیات بشر را بر پایه اصولی چون توحید، فطرت، اختیار، جاودانگی و ارزش‌گرایی دارد (صدرالمآلهین، ۱۹۸۱، ج. ۸، ص. ۱۳۲؛ هاشمی خویی، ۱۴۲۴، ج. ۱، ص. ۵۱). این تعریف، مبانی نظری لازم برای استخراج ویژگی‌های نظام اخلاقی قرآن‌بنیان و تبیین نقش آن در بازطراحی زیست مؤمنانه معاصر را فراهم می‌آورد.

۱-۲. زیست مؤمنانه

در هر الگوی حیات انسانی، خواه با جهت‌گیری مادی و خواه با رویکرد معنوی، وجود یک مبانی راهبردی و سامان‌دهنده برای انسجام‌بخشی به عناصر فکری، رفتاری و ارزشی ضروری است. این مبنا باید قادر باشد ابعاد مختلف زندگی را بر اساس معیارهای معین، منسجم کرده و مسیر مشخصی را برای دستیابی به اهداف غایی ترسیم نماید. در چارچوب حیات ایمانی، این مبنا بر توحید و التزام به اوامر الهی استوار است و کلیه تصمیم‌ها، تعاملات و کنش‌ها در پرتو آن معنا و جهت می‌یابند. میزان پایبندی به این مبنا با سطح تحقق زیست مؤمنانه نسبت مستقیم دارد (جمشیدی، ۱۳۸۲، ص. ۳۹-۴۲).

بر اساس تصریح قرآن کریم در آیه «مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل، ۹۷) دستیابی به حیات طیبه مستلزم تلفیق جهان‌بینی الهی (ایمان) با رفتار متناسب (عمل صالح) است. ایمان به عنوان شناخت صحیح و پایدار نسبت به واقعیت هستی، و عمل صالح به عنوان ترجمان عینی این شناخت در رفتار، دو مؤلفه تفکیک‌ناپذیر این زندگی هستند (آکوچکیان، ۱۳۹۰، ص. ۳۳-۳۴ و ۱۲۳-۱۶۵).

از دیدگاه علامه محمدتقی جعفری، این وضعیت متناظر با «حیات معقول» است که در آن تمامی توانمندی‌های فرد به شیوه‌ای آگاهانه و تحت اختیار در مسیر اهداف متعالی سامان‌دهی می‌شوند و شخصیت انسانی به سوی غایت برین سوق داده می‌شود (جعفری، ۱۳۸۸، ص. ۵۹).

بنابراین، زیست مؤمنانه مفهومی است ناظر بر زندگی هدفمند و مبتنی بر ایمان دینی که ضمن تضمین عقلانیت و معنویت، ظرفیت لازم برای بازطراحی حیات ایمانی در مواجهه با شرایط متحول معاصر را فراهم می‌آورد.

۱-۳. نظام‌سازی قرآن‌بنیان

نظام‌سازی قرآن‌بنیان فرایندی است نظام‌مند که با استخراج اصول و ارزش‌ها از قرآن کریم، چارچوبی هماهنگ و یکپارچه برای هدایت و ساماندهی ابعاد مختلف حیات بشری فراهم می‌آورد. این فرایند، برخلاف نظام‌سازی سکولار که محدود به معرفت بشری است، ریشه در وحی الهی دارد و با تکیه بر فطرت و توحید، پویایی و جهان‌شمولی را تضمین نموده و به عنوان بخشی از مکتب اجتماعی اسلامی، جوامع را به سوی عدالت و تعالی سوق می‌دهد (صدر، ۱۴۳۴، ج. ۱۹، ص. ۲۴-۲۹). بر این اساس، نظام هدفمند قرآنی به منزله سامانه‌ای هماهنگ از اصول قرآنی است که اجزاء و ارکان آن در جهت هدفی مشخص، به شکلی منسجم و جهت‌دار در حرکت‌اند. یکی از معانی بنیادین توحید در اسلام، هماهنگی تمام اجزاء و ارکان دین در یک سامانه فکری، عقیدتی و عملی به سوی حق تعالی است (زاهدی، ۱۴۰۲، ص. ۲۵-۲۸).

فرایند نظام‌سازی قرآن‌بنیان را می‌توان در سه مرحله تبیین نمود:

۱. استخراج اصول بنیادین: شناسایی ارزش‌ها، قواعد و مقاصد کلیدی از آیات قرآن با بهره‌گیری از روش تحلیلی - مضمونی و ارجاع به تفاسیر معتبر.

۲. تبدیل به مؤلفه‌های مفهومی: سازمان‌دهی اصول استخراج‌شده در قالب گزاره‌های نظری و مرتبط که دارای انسجام معنایی و ساختاری باشند.

۳. ساختاردهی کلان: طراحی شبکه‌ای منظم از مؤلفه‌ها و خرده‌نظام‌ها برای هدایت ابعاد فردی و اجتماعی زندگی در راستای مقاصد الهی، همراه با امکان پیاده‌سازی عملی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی.

تحقق حاکمیت قرآن در تمامی عرصه‌ها، مستلزم بازطراحی و پیاده‌سازی نظام‌های فوق بر مبنای مفاهیم عالی قرآنی است. این امر زمانی محقق می‌شود که مضامین قرآنی نه تنها به سطح شعار یا توصیه محدود نگردد، بلکه به صورت سازوکارهای اجرایی در نظام‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اخلاقی جاری شود (صدر، ۱۴۳۴، ج. ۱۹، ص. ۴۹-۵۰). در غیر این صورت، به دلیل سلطه فرهنگی الگوهای غیرقرآنی، حتی انتقال گزاره‌های دینی ممکن است اثرگذاری مورد نظر را نداشته یا گاه نتیجه معکوس در پی داشته باشد.

منظور از نظام‌سازی قرآن‌بنیان در پژوهش حاضر، طراحی چارچوبی ارزشی و عملیاتی برگرفته از آیات قرآن کریم است که هدف آن بازطراحی زیست مؤمنانه برای پاسخ‌گویی به نیازهای معاصر و رفع چالش‌های اخلاقی می‌باشد. شکل‌گیری چنین نظامی، زمینه‌ساز تحقق یک گفتمان راهبردی و فرامکتبی است که علاوه بر مسلمانان، می‌تواند قابلیت عرضه و الگوگیری در میان سایر نظام‌های فکری را نیز داشته باشد.

۲. ویژگی‌های نظام اخلاقی قرآن‌بنیان و پیشبرد زیست مؤمنانه

نظام‌سازی اخلاقی قرآن‌بنیان، حقیقتی توحیدی و دارای پویایی و تکلیف‌گرایی است که اقتضای تکلیف‌گرایی، پویایی و انعطاف نسبت به شرایط و عدم جزمیت بر یک مسیر واحد یا یک راهکار مشخص است. امر نظام‌سازی نسبت به بعد زمان، مکان، ابعاد و وجوه، برخوردار از جهان شمولی و جاودانگی، کاملاً جامعیت دارد و منطبق با فطرت بشری در جهت رفع نیازها است و همین ویژگی سبب اضافه‌گشتن خصیصه جاذبیت و رشددهنگی گشته و در پی پیمودن مراتب ارزش‌گذاری، از دایره اختیار انسان، در تکامل اخلاقی خویش به سمت جبر خروج پیدا نمی‌کند. در ادامه، به بررسی نقش ویژگی‌های نظام اخلاقی بر اساس ورودی‌های قرآن در جهت نیل به زیست مؤمنانه پرداخته می‌شود.

۲-۱. توحیدگرایی و تنظیم الهی زیست مؤمنانه

بر مبنای معارف و آموزه‌های وحیانی، خداوند متعال مبنای خلقت، رشد و تعالی است که در سرشت انسان نهاده شده است و از این‌روی دائم در تفحص اوست و بسیاری از مسائل خویش را در روابط با او سامان‌دهی می‌کند و خداوند و اراده وی در تمام زندگی انسان جریان دارد و انسان نیز باید در این راستا و کسب رضایت الهی و زیست متناسب با قوانین و فرمان‌های الهی کوشش نماید. از این‌روی اساسی‌ترین ویژگی در تمامی عرصه‌های نظام‌سازی، توحید است که به عنوان شالوده تمامی معارف اسلامی و وحیانی می‌باشد و معارف وحیانی از فرعیات و لوازم توحید هستند (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج. ۱۰، ص. ۱۳۵).

امر یا فعل تمکینی خداوند، به عنوان امر و اراده‌ای است که به افعال موجودات مختار تعلق می‌گیرد. قدرت بر انجام فعل، قدرت اراده و اختیار و انتخاب فعل و مقدمات اراده و فعل اختیاری، همگی متعلق به امر تمکینی خداوند است و انسان به عنوان موجودی مختار، برترین موجودی است که در حوزه اوامر تکوینی خداوند قرار دارد. امر تکوینی خداوند، بشریت را قادر بر انتخاب رفتار و کردار خویش نموده و سرنوشت او را در گرو انتخاب و اختیار و اراده آزاد او قرار داده است. قدرت اراده و انتخاب، مسئولیت‌آفرین است، به دلیل قدرت بر انتخاب، مسئولیت‌پی آمده‌های ناشی از انتخاب درست یا نادرست، متوجه فاعل انتخاب‌گر است (اراکی، ۱۳۹۳، ج. ۱، ص. ۱۴۹).

در اینجا دو اصل بنیادین وجود دارد:

اصل نخست: این قاعده بدیهی است که مسئولیت فاعل انتخاب‌گر در محدوده قدرت انتخاب اوست. بنابراین، مسئولیت‌پذیری فاعل انتخاب‌گر محدود به حدود تمکین الهی است؛

اصل دوم: قاعده «نظام احسن» در جهان آفرینش است که از ضرورت عقلی یا وجوب صدور فعل احسن از ذات باری تعالی نشأت گرفته است. در مقام ذات، هر وصف کمالی که بالذات بر خدا ممتنع نباشد، ثبوتش برای ذات باری تعالی واجب است و در مقام فعل، هر فعل احسنی که بالذات از خدا متعال ممتنع نباشد، صدورش از ذات باری تعالی واجب خواهد بود؛ زیرا واجب بالذات از جمیع جهات خویش دارای وجوب است (اراکی، ۱۳۹۳، ج. ۱، ص. ۱۵۰).

بنابر اصل دوم، امر تمکینی صادر از خداوند متعال به انسان به عنوان موجودی انتخاب‌گر باید به گونه‌ای باشد که انسان را قادر بر انتخاب بهترین زندگی و رفتار کند؛ زیرا تمکین الهی به عنوان بهترین و برترین تمکین، انسان را بر انتخاب شایسته‌ترین زندگی و بهترین جامعه قادر می‌نماید و بنابر اصل اول، در صورتی انسان در برابر عدم انتخاب زندگی شایسته‌تر و جامعه بهتر مسئول است که براساس تمکین الهی قدرت انتخاب جامعه بهتر و زندگی شایسته‌تر داشته باشد (اراکی، ۱۳۹۳، ج. ۱، ص. ۱۵۱). از این روی، نظام جامعه بهتر و زندگی شایسته‌تر در سایه نظام اخلاقی برتر و مدیریت شایسته‌تر امکان تحقق دارد و بدیهی است که این نظام، برخاسته از اوامر و نواهی الهی و مدیریت شایسته‌تر، مدیریت برآمده از مدیریت الهی است. بنابراین، توحیدگرایی از جمله ویژگی‌های نظام‌سازی اخلاقی قرآن‌بنیان است.

قرآن کریم برای ایجاد باورهای مشترک در قالب یک نظام مشخص، می‌فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا آذِينَ بَعْضًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»؛ «بگو: ای اهل کتاب! بیایید، به سوی سخنی که میان ما و میان شما یکسان است که: جز خدا را نپرستیم و هیچ چیزی را شریک او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما بعض [دیگر] را - به غیر خدا - به پروردگاری برنگزینیم. و اگر [از این دعوت] روی برتابند، پس بگویید: گواه باشید که ما مسلمانیم» (آل عمران، ۶۴). در این آیه مبارکه، منظور از «کَلِمَةٍ سَوَاءٍ» تمسک به آن و عمل به متعلقش در جهت برقراری تساوی بین افراد اجتماع و تمسک به معنای توحیدگرایی است (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج. ۳، ص. ۲۴۶).

زمانی که توحیدگرایی در نظام اجتماعی تبدیل به اعتقاد مشترک گردد و تمامی افراد جامعه بدان ملزم شوند، پراکندگی و اختلاف در میان آنان از بین خواهد رفت و انسجام حاصل می‌گردد؛ زیرا همین قرابت اعتقادی سبب دوری از رفتارهای فردگرایانه و انزوای اجتماعی می‌شود و به همین دلیل خداوند متعال می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا

نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»؛ «و همگی به ریسمان خدا [= قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت]، چنگ زبید و پراکنده نشوید و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد و به برکتِ نعمتِ او، برادر شدید و شما بر لبِ حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد؛ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید» (آل‌عمران، ۱۰۳) و همچنین می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ^۱ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»؛ «مؤمنان برادر یکدیگرند؛ پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید» (حجرات، ۱۰).

۲-۱-۱. مدل نظری پیشنهادی: نظام هدایتی توحیدمحور

بررسی تحلیلی توحیدگرایی نشان می‌دهد که این ویژگی علاوه بر اصل اعتقادی، یک منطق سامان‌دهنده کل نظام اخلاقی قرآن‌بنیان است؛ به گونه‌ای که سایر ویژگی‌ها از آن، تغذیه معنایی و ساختاری می‌کنند. بر مبنای یافته‌های پژوهش، الگوی پیشنهادی با عنوان «نظام هدایتی توحیدمحور» به عنوان چارچوب نظری بازطراحی زیست مؤمنانه صورت‌بندی می‌شود. این نظام پنج سطح پیوسته و تعاملی دارد که از مرکز توحید آغاز می‌شود و در سطح تمدنی به تحقق بیرونی ارزش‌ها می‌رسد.

سطح نظام هدایتی	کارکرد اصلی	نسبت با زیست مؤمنانه
سطح بنیاد هدایت (و حیانی)	منبع اصلی ارزش‌ها و هنجارها در وحی الهی؛ مبنای شکل‌گیری قواعد هدایت	تبیین غایت الهی و ترسیم مسیر کلان زیست مؤمنانه
سطح معرفتی - ادراکی	فهم عقلانی-فطری و استخراج معانی هدایت از وحی	ایجاد بصیرت اخلاقی و شناختی
سطح هنجاری (تکلیف‌مدار)	ترجمه اصول توحیدی به الزامات و باید-نبایدهای اخلاقی	ساختاردهی نظام تکلیف
سطح رفتاری - اجتماعی	تحقق ارزش‌ها در رفتار فردی و ساختارهای اجتماعی	عینیت‌یابی اخلاق مؤمنانه در جامعه
سطح تمدنی - جهانی	گسترش پیام هدایت و اخلاق قرآنی در سطح بین‌المللی	پیوند هویت مؤمنانه با تمدن جهانی

جدول ۱. سطوح و کارکردهای مدل نظام هدایتی توحیدمحور

رابطه میان سطوح پنج‌گانه، رابطه‌ای طولی و علی است؛ بدین معنا که همه سطوح، جلوه‌های گوناگون هدایت الهی هستند. هر سطح علاوه بر اینکه از سطح بالاتر نشأت می‌گیرد، شکل متفاوتی از همان حقیقت را در عرصه‌ای خاص نشان می‌دهد و در این مسیر، هر مرتبه نقش بازتاب‌دهنده و تحقق‌بخش مرتبه پیشین را دارد و به اصلاح و تقویت آن کمک می‌کند.

وحی → معرفت → هنجار → رفتار → تمدن.

به این ترتیب، وحی سرچشمه و اساس هدایت است؛ معرفت، فهم و دریافت این هدایت در ذهن و وجود انسان؛ هنجار، تبدیل همان معرفت به الزام‌های اخلاقی و تکالیف روشن؛ رفتار، اجرای آن الزام‌ها در زندگی فردی و اجتماعی و تمدن، گستره و تثبیت این رفتارها در سطح جهانی است. این ارتباط باعث می‌شود «نظام هدایت» از بنیاد وحیانی تا عرصه تمدنی، به صورت یک جریان منسجم و پیوسته امتداد یابد.

از تحلیل مدل پیشنهادی، چند گزاره‌ی کلیدی استخراج می‌شود:

۱. گزاره راهبردی انسجام‌بخش: توحیدگرایی ساختاری است که مراتب فردی، اجتماعی و تمدنی زیست مؤمنانه را به هم پیوند می‌دهد و میان آن‌ها هم‌افزایی ایجاد می‌کند.

۲. گزاره راهبردی تولیدی: دیگر خصائص نظام اخلاقی قرآن‌بنیان، در حقیقت بازتاب مراتب مختلف هدایت توحیدی هستند و بر اساس آن شکل می‌گیرند.

۳. گزاره راهکاری اجرایی: بازطراحی زیست مؤمنانه زمانی تحقق می‌یابد که جریان پنج‌سطحی هدایت توحیدی در همه حوزه‌های فردی، فرهنگی و اجتماعی فعال گردد.

مدل «نظام هدایتی توحیدمحور» با هدف اصلی بازطراحی زیست مؤمنانه در جهان معاصر، پل ارتباطی میان هدایت وحیانی، عقلانیت دینی و کنش اجتماعی است. بر اساس این الگو، زیست مؤمنانه، مجموعه‌ای از حیات هدایت‌یافته است که معرفت، ارزش و عمل را در یک نظام معنایی مشترک به هم پیوند می‌دهد.

این مدل، روند تحول زیست انسان مؤمن را در چهار محور اساسی سامان می‌دهد:

- کارکرد بازتعریف هویت مؤمنانه (سطح معرفتی-هویتی): بازطراحی زیست از درون آغاز می‌شود و با فعال‌سازی سطح معرفتی هدایت، «خودفهمی مؤمنانه» را بازسازی می‌کند. هویت انسان مؤمن بر اساس نسبت وجودی با خداوند شکل می‌گیرد و در نتیجه معیارهای کنش و تصمیم اخلاقی در زیست معاصر براساس پیوند عقلانیت و ارزش در مسیر هدایت الهی بازطراحی می‌شود.

- کارکرد تنظیم کنش اخلاقی (سطح هنجاری-عملی): هدایت الهی در این سطح به الگویی برای تصمیم‌سازی اخلاقی تبدیل می‌شود. عقل دینی نقش پردازنده دارد و اخلاق از حالت واکنشی به نظام‌مند ارتقا می‌یابد؛ در نتیجه کنش مؤمن با نیت الهی و نتیجه‌ی عادلانه هماهنگ می‌شود.

- کارکرد سامان‌دهی ساختارهای زیست جمعی (سطح رفتاری-اجتماعی): در این مرحله، هدایت به نهاد تبدیل می‌شود. الگوهای جزئی زیست مؤمنانه در حوزه‌ی تربیت، رسانه یا اخلاق حرفه‌ای بر مبنای منطق توحیدی طراحی می‌گردند که هرکدام به عنوان خرده‌مدلی بر محور «منطق توحیدی هدایت» قابل طراحی‌اند.

- کارکرد پیونددهی به افق تمدنی (سطح تمدنی-جهان‌گستر): در نهایت، بازطراحی زیست مؤمنانه منجر به بازتولید فرهنگ عمومی مؤمنانه می‌شود که از طریق آن، اصول هدایت الهی به زبان تمدن معاصر ترجمه می‌شوند. در این مرحله مدل تبدیل به

چارچوب بالادستی سیاستگذاری فرهنگی و اخلاقی می‌گردد و منطق هدایت را در قالب «نظام‌های موجود» بازجهت‌دهی می‌کند. این همان تغییر جهت بنیادین از «بازتولید دین در جامعه» به «بازتولید جامعه در مدار هدایت» است.

مدل پیشنهادی، چارچوبی راهبردی برای تبیین دین به‌عنوان نظامی از هدایت است. این نظام با تحلیل پیوند درونی وحی، عقل و کنش، زمینه‌ی بازسازی ساختار زیست مؤمنانه را در سطوح شناختی و نهادی فراهم می‌سازد. در این فرایند، هدایت از وحی به معرفت، از معرفت به هنجار، از هنجار به رفتار، و از رفتار به تمدن گسترش می‌یابد. در چنین افقی، زیست مؤمنانه به‌مثابه نظامی معنادار از روابط انسان با خدا، خویشتن و جامعه ترسیم می‌شود که میان معرفت، ارزش و عمل هماهنگی برقرار کرده و توانایی تولید الگوهای رفتاری، فرهنگی و سیاسی سازگار با منطق هدایت را ایجاد می‌کند.

۲-۲. نقش جهان‌گستری و جاودانگی در مانایی زیست مؤمنانه

جامعیت آموزه‌های اخلاقی به مجموعه‌ای از رهنمودها و دستورالعمل‌ها اطلاق می‌شود که نیازهای انسان را برای دستیابی به سعادت و خوشبختی در هر زمان و مکانی برآورده می‌کند (ایازی، ۱۳۸۰، ص. ۱۸).

چنانچه نظام‌های اخلاقی غیرالهی بررسی گردند، به صراحت مشخص است که گستره ارزش‌ها در بسیاری از نظامات متناهی و محدود به ارزش‌های اخلاقی اجتماعی است. در نظام‌های غیرالهی یا افراط‌گونه ارتباط انسان با خداوند مطرح نمی‌گردد یا بالعکس به طور انحصاری، تمامی ارزش‌ها در ارتباط انسان با خداوند نمود داده و ارتباط با دیگران ضد ارزش معرفی می‌شود. در صورتی که در نظام‌سازی اخلاقی قرآن‌بنیان، به سه ساحت ارتباط انسان با خداوند، خود و دیگران اهمیت داده و هیچ مسأله‌ای از مسائل حیات بشری، خارج از محدوده اخلاقیات نیست (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص. ۳۵۲).

اسلام، نظام قرآن‌محور را به عنوان پایه‌ای مناسب و مستحکم برای ایجاد نظام اخلاقی در هر زمان و مکانی معرفی می‌کند که همواره قابلیت پیاده‌سازی و اجرا در جامعه و موجب رشد و کمال امت شده و نیازها را ساماندهی نماید و به هر میزان که شرایط مادی و اقتضائات تغییر کند و گستره‌ی ارتباطی انسان وسعت یابد، باز هم نظام اخلاقی قابلیت اجرا دارد. نظام اخلاقی، ریشه در نیازها و روابط انسان دارد؛ زیرا بشریت، نیروی پیش‌برنده‌ی تاریخ است و خود مبدأ نوسازی روش‌های حیات و نظامات مختلف است.

حیات بشری، زاینده نیازهای وی است و نظام اخلاقی قرآن‌بنیان، ساختاری است که حیات را متناسب با نیازها ساماندهی می‌کند. نیازها به دو دسته تقسیم می‌گردد: یکی نیازهای بنیادی که در طول زمان، ثابت است و دیگری نیازهایی که متناسب با شرایط و اوضاع زمانه و معرفت انسان نسبت به زندگی و پیچیدگی‌های آن، نو می‌شود و پیشرفت می‌کند. از آنجا که ریشه و بنیاد زندگی یعنی نیازهای انسان، بخش‌های ثابت و متغیر دارد، پس نظام اخلاقی نیز باید یک بخش بنیادی ثابت و در کنار آن بخش‌های تحول‌پذیر و قابل پیشرفتی داشته باشد تا هر یک از بخش‌های ثابت و متغیر نیازهای انسانی در نظام اخلاقی شایسته، بازتاب پیدا کند. نظام اخلاقی قرآن‌بنیان در درون خود بخش تغییرناپذیر دارد که به رفع نیازهای ثابت در زندگی انسان می‌پردازد و همچنین بخش‌های دیگری دارد که مطابق با مصالح و نیازهای جدید، قابل تغییر و تحول هستند و این دو نیاز، ناشی از فراگیری و شمولیت است (صدر، ۱۳۹۳، ص. ۱۳۱-۱۳۶).

ماهیت جامعیت در نظریه‌های توسعه اخلاقی نیز یکی از عناصر اصلی است. نظریه‌های توسعه‌ی اخلاقی، به مفهوم ارزش‌های جهانی وابسته‌اند. چنانچه انسان از لحاظ اخلاقی همانند دیگر جوانب رشد کند، در آن صورت صحت نظریه، به معنای بودن آن در فرهنگ‌های گوناگون وابسته خواهد بود. نظریه‌های توسعه‌ی اخلاقی باید در عین حال، تمامی مسائل را نیز مورد توجه قرار دهند (الیوت، ۱۳۸۵).

با توجه به آیات قرآن کریم، می‌توان به این ویژگی دست یافت. از جمله آیه «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَا كِرْنَ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»؛ «پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار؛ ولی اکثر مردم نمی‌دانند!» (روم، ۳۰). بشریت يك سعادت و شقاوت دارد، برای این است که اگر سعادت افراد انسان‌ها به خاطر اختلافی که با هم دارد مختلف می‌شد، يك جامعه صالح و واحدی که ضامن سعادت افراد آن جامعه باشد، تشکیل نمی‌گشت و همچنین اگر سعادت انسان‌ها به حسب اختلاف اقطار و سرزمین‌هایی که در آن زندگی می‌کنند، مختلف می‌شد و سنت اجتماعی که همان دین است اساسش همان چیزی باشد که منطقه اقتضاء دارد آن وقت دیگر انسان‌ها نوع واحدی نمی‌شدند، بلکه به اختلاف منطقه‌ها مختلف می‌شدند و نیز اگر سعادت انسان به اقتضای زمان‌ها مختلف می‌شد؛ یعنی اعصار و قرون یگانه اساس سنت دینی می‌گشت، باز انسان‌های قرون و اعصار نوع واحدی نمی‌شدند و انسان هر قرنی و زمانی غیر انسان زمان دیگر می‌شد و اجتماع انسانی سیر تکاملی نمی‌داشت، انسانیت از نقص متوجه به سوی کمال نمی‌شد؛ چون نقص و کمالی وجود ندارد مگر اینکه يك جهت مشترك و ثابت بین همه انسان‌های گذشته و آینده باشد. البته بدین منظور نیست که اختلاف افراد و مکان‌ها و زمان‌ها هیچ تاثیری در برقراری سنت دینی ندارد، بلکه اساس سنت دینی عبارت از ساختمان و بنیه انسانیت است، که حقیقتی واحد و مشترك و ثابت بین همه افراد و اقوام است.

آیه «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لَقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَعْفِفَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ»؛ «برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت، در آن هنگامی که به قوم (مشرك) خود گفتند: «ما از شما و آنچه غیر از خدا می‌پرستید بیزاریم؛ ما نسبت به شما کافریم؛ و میان ما و شما عداوت و دشمنی همیشگی آشکار شده است؛ تا آن زمان که به خدای یگانه ایمان بیاورید!» -جز آن سخن ابراهیم که به پدرش [= عمویش آزر] گفت (و وعده داد) که برای تو آموزش طلب می‌کنم، و در عین حال در برابر خداوند برای تو مالک چیزی نیستم (و اختیاری ندارم!) - پروردگار! ما بر تو توکل کردیم و به سوی تو بازگشتیم، و همه فرجام‌ها به سوی تو است!» (ممتحنه، ۴)، می‌تواند از جمله آیات اشاره‌گر به جامعیت نظام‌سازی اخلاقی قرآن‌بنیان باشد. از این روی که پیامبران و تربیت‌شدگان مکتب اخلاقی الهی آنان نمونه عملی و عینی به عنوان یک الگو هستند و هم‌اینکه گذشت زمان، نقش آنان را کم‌رنگ نکرده و در تمام اعصار و ازمان مقتدا و الگو می‌باشند (قرائتی، ۱۳۸۸، ج. ۹، ص. ۵۸۱).

یکی دیگر از این آیات، آیه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا»؛ «مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.» (احزاب، ۲۱) می‌باشد. اسوه در معنای اقتداء و الگوگیری آمده است و این الگوگیری در خصوص پیام اکرم

صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، یعنی پیروی از وی، و افاده استمرار در گذشته در تعبیر «لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ» جهت اشاره می‌تواند به این باشد که یک وظیفه‌ای ثابت و همیشگی است. بنابراین معنای آیه چنین است که نمود ایمانی شما به رسالت رسول خداوند صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، پیروی و اقتدای به وی در تمام احکام است؛ هم در گفتار و هم در کردار. با توجه به اینکه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در پی نظام‌سازی اخلاقی بوده‌اند، فراگیری و جامعیت نظام‌سازی اخلاقی را می‌رساند (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج. ۱۶، ص. ۴۳۲).

۲-۱-۲. مدل پیشنهادی استمرار و بسط الهی زیست مؤمنانه

تحلیل ویژگی «جهان‌گستری و جاودانگی» نشان می‌دهد که این خصیصه، افزون بر وصف اعتقادی، سازوکار تداوم و بازتولید نظام هدایت در بستر تاریخ است؛ به گونه‌ای که دین و اخلاق، از سطح وحی تا عرصه تمدن انسانی، ظرفیت استمرار و انطباق‌پذیری می‌یابند.

بر مبنای یافته‌های پژوهش، الگوی پیشنهادی با عنوان «مدل استمرار و بسط الهی زیست مؤمنانه» به‌عنوان تبیین نظری برای فهم منطق پایداری و تحول در نظام اخلاقی قرآن‌بنیان صورت‌بندی می‌شود.

این مدل نیز همچون «نظام هدایتی توحیدمحور»، دارای پنج سطح پیوسته و تعاملی است که از مبنای وحی آغاز شده و در سطح تمدنی، به تحقق بیرونی ارزش‌های الهی در تمدن مؤمنانه منتهی می‌گردد.

نسبت با زیست مؤمنانه	کارکرد اصلی	سطح نظام هدایتی
تأمین پشتوانه‌ی جاودان برای هدایت اخلاقی در هر عصر و جامعه	استقرار ثبات ارزش‌ها در وحی و فطرت انسانی با تأکید بر اصل «لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ»؛ مبنای تغییرناپذیر اخلاق الهی در بستر تاریخ	سطح بنیاد هدایت (وحیانی)
ایجاد درک تاریخی - تمدنی از هدایت و توان فهم متجددانه از ارزش‌ها	تبدیل وحی به منطق تفسیر فرازمانی و پویا از هدایت؛ فهم مؤمنانه از جاودانگی به‌مثابه پایداری در مسیر تحول	سطح معرفتی - ادراکی
تنظیم انعطاف اخلاق مؤمنانه بدون گسست از مبانی الهی	ترجمه اصول ثابت وحی به قواعد اخلاقی متناسب با تحولات اجتماعی و تمدنی	سطح هنجاری (تطبیقی - زمانمند)
استمرار حضور هدایت در ساختارهای اجتماعی و فناوری بشری	ظهور اخلاق وحیانی در رفتارها، نهادها و نظام‌های معاصر فرهنگی و علمی	سطح رفتاری - اجتماعی

تحقق جهان‌گستری اخلاق الهی و تداوم زیست مؤمنانه در تاریخ بشر	بازنمایی و گسترش ارزش‌های قرآنی در مقیاس جهانی و میان‌فرهنگی؛ اخلاق به‌مثابه زبان مشترک تمدن‌ها	سطح تمدنی - جهانی
--	--	-------------------

جدول ۲. سطوح و کارکردهای مدل استمرار و بسط الهی زیست مؤمنانه

رابطه میان سطوح پنج‌گانه، رابطه‌ای طولی و علی است؛ یعنی هر سطح از هدایت، ادامه و گسترش سطح پیشین است. مسیر هدایت از وحی آغاز می‌شود و تا سطح تمدن امتداد می‌یابد. در این مسیر، وحی سرچشمه و پایه همه سطوح است، تحول میدان تحقق انسانی و تاریخی آن، استمرار نشانه پایداری هدایت در بستر زمان، و مشارکت تمدنی جلوه گسترش اجتماعی و جهانی آن است.

وحی → فطرت → تحول → استمرار → مشارکت تمدنی

پیوستگی این مراحل، منطق درونی پویایی هدایت را شکل می‌دهد که طی آن، ارزش‌های وحیانی هم‌سرمدیت خود را حفظ می‌کنند و هم در سازوکار تمدنی بازتولید می‌شوند.

گزاره‌های راهبردی - راهکاری استخراج‌شده از مدل عبارت است از:

۱. گزاره‌ی راهبردی پایداری پویا: جاودانگی در منطق دینی به معنای توقف نیست، بلکه پایداری در بطن حرکت است. استمرار هدایت، وابسته به توان نظام اخلاقی در بازتفسیر اصول ثابت در شرایط متغیر تاریخی است.

۲. گزاره‌ی راهبردی ارتباطی - تمدنی: جهان‌گستری اخلاق وحیانی، بر اساس قدرت ترجمه و گفت‌وگو با فرهنگ‌ها تحقق می‌یابد. هرگاه ارزش‌های قرآنی بتوانند در قالب مفاهیم جدید فرهنگی و علمی بازتولید شوند، تمدن مؤمنانه استمرار می‌یابد.

۳. گزاره‌ی راهکاری اجرایی (نهادسازی اخلاقی): الگوی استمرار، نیازمند نهادها و ساختارهای پویایی است که انتقال ارزش‌ها را در عرصه‌های آموزش، رسانه، علوم انسانی و سیاست فرهنگی امکان‌پذیر سازند؛ نهادهایی که در آن، اخلاق به جای قانون صرف، تبدیل به روح نظام اجتماعی گردد.

مدل استمرار و بسط الهی زیست مؤمنانه، با تأکید بر پویایی در ثبات، نظام هدایتی توحیدمحور را از وضعیت نظری به سطح تمدنی و تعاملی ارتقا می‌دهد. این مدل فرآیند بازطراحی زیست مؤمنانه را در چهار کارکرد کلیدی سامان می‌دهد:

- کارکرد تداوم معرفتی (سطح بنیاد و معرفتی): جاودانگی وحی به معنای تداوم فهم آن است که عقل مؤمنانه همواره قادر است معنای جدیدی از همان حقایق ازلی را کشف نماید و هدایت وحی در تاریخ زنده می‌ماند.

- کارکرد تنظیم انعطاف اخلاقی (سطح هنجاری): ارزش‌های پایدار الهی قابلیت تبدیل به قواعد تصمیم‌سازی و تدبیر اجتماعی را دارند و به‌این‌ترتیب، اخلاق از سطح آموزه به نظام تدبیر ارتقا می‌یابد؛ بدین‌سان اخلاق از سطح آموزه به سطح سامانه‌ی مدیریتی ارتقا می‌یابد.

- کارکرد نهادینه‌سازی هدایت (سطح رفتاری-اجتماعی): استمرار اخلاق مؤمنانه نیازمند سازوکارهای نهادی است که ارزش‌های وحیانی را در نظام‌های تعلیم، تربیت، رسانه و فرهنگ جاری سازند. نهادسازی اخلاقی، ضامن بسط و ماندگاری هدایت در جامعه است.

- کارکرد مشارکت تمدنی (سطح تمدنی - جهانی): جهان‌گستری دلالت بیرونی استمرار است. مدل در این سطح، افق گفت‌وگو و همکاری میان تمدن‌های ایمانی را ممکن و سازوکاری نظری برای تبدیل اخلاق وحیانی به زبان مشترک بشری ارائه می‌کند.

مدل پیشنهادی استمرار و بسط الهی، چارچوبی راهبردی برای فهم جاودانگی وحی به عنوان نظامی زنده و بازتولیدشونده است که با پیوند سطوح وحی، فطرت، تحول، استمرار و تمدن، پویایی هدایت را در تاریخ حفظ می‌کند و زیست مؤمنانه فرآیند مداوم بازآفرینی حیات الهی در جهان است؛ فرآیندی که از وحی سرچشمه می‌گیرد و زمان را به بستر بالندگی معنوی انسان تبدیل می‌سازد.

۲-۳. تکلیف‌گرایی و کنشگری در زیست مؤمنانه

در نظام‌سازی قرآنی، غایت اخلاق، قرب الهی است. زمانی که قرب الی الله با هدف فردگرایانه مورد توجه قرار گیرد و اخلاق با تک‌تک انسان‌ها مواجه شود که منجر به شکل‌گیری پدید آمدن انسان کامل است. انسان کامل، مقرب الی الله و خلیفه الله است و پیش‌فرض ادعا ایجاد عالم هستی در جهت تربیت تمامی بشریت است. در امتداد این مساله، طرح دیگری نیز وجود دارد و آن است که عبودیت را غایت دانست؛ یعنی تمامی انسان‌ها باید علاوه بر هدایت به مرحله والای عبودیت، با تمسک به نظام توحیدی ایجادشده، به بندگی و وصال دست یابند (یوسفی مقدم، شیعی، ۱۴۰۰، ص. ۱۰۹-۱۱۰). تکلیف‌گرایی در ذات خود وابسته و برخاسته به حکم اخلاقی است؛ زیرا ضمان و تکلیف، پشتوانه عملی قوانین اخلاقی است و این حکم است که می‌گوید هیچ کس نباید به دیگری ظلم کند و هیچ ضرری نباید جبران‌نشده باقی بماند.

معنای تکلیف‌گرایی در حکمت صدرایی، امری است که از یک سو به نظام زندگی مدنی و ضرورت حفظ آن گره خورده و از دیگر سو، با عناوین حسن و قبح پیوندی دارد و در نهایت، از عنایت خداوند سرچشمه می‌گیرد که مقتضی زندگی نظام‌مند آدمیان است. از این رو، بنیان این تکلیف و مسئولیت بر اعتقاد و ایمانی نهاده شده که همگان در حالت طبیعی و فطری به آن معترف و ملتزم هستند و آن، ایمان به حفظ مصلحتی است که انسان برای زندگی خود و دیگران نیازمند آن است و نادیده گرفتن آن، به معنای نادیده‌انگاری نظام اخلاقی عمومی بشریت است (حسینی، ۱۴۰۱، ص. ۱۳۷).

در نظام اخلاقی قرآن‌بنیان، تکلیف‌گرایی و عبودیت به استناد: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات، ۵۶)، مقصد آفرینش است.

خداوند متعال در قرآن کریم به نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «أَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ»؛ «آنچه را از کتاب (آسمانی) به تو وحی شده تلاوت کن، و نماز را برپا دار، که نماز (انسان را) از زشتی‌ها و گناه بازمی‌دارد، و یاد خدا بزرگ‌تر است؛ و خداوند می‌داند شما چه کارهایی انجام می‌دهید» (عنکبوت، ۴۵). در این آیه خداوند متعال پس از بیان برخورد نامطلوب اقوام پیشین با رهبران

الهی در جهت تسلی خاطر و ارائه روش جامع در نظام‌سازی اخلاقی به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دو برنامه مهم را می‌دهد. نخست می‌فرماید: «اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ»؛ آیات الهی را بخوان بدین روی که تمامی حکمت و علم، نصیحت و اندرز، وسیله نورانیت قلب و جان، مسیر حرکت هر گروه و هر جمعیت و به طور کلی هر آنچه در جهت ایجاد یک جامعه و نظام الهی نیاز است، در آن وجود دارد. پس از این دستور آموزشی، به دستور دوم می‌پردازد که شاخه اصلی اخلاق و رشد و تعالی است، می‌فرماید: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج. ۱۶، ص. ۲۸۳-۲۸۷).

بنابراین یک قاعده اساسی در همه نظام‌های اخلاقی، استناد به اندیشه تکلیف‌گرایی است که همه نظام‌های اخلاقی بر محور آن می‌گردند و نبودش به نابودی و فناى جوهر ذات حکمت علمی می‌انجامد، چنانچه تعهد و تکلیفی نباشد، مسئولیتی نخواهد بود و اگر مسئولیت نباشد، بازگشت عدالت به جامعه، شدنی نیست و آشفته‌گی فراگیر و نظم و ترتیب نابود و ناهنجاری و بی‌اخلاقی همگانی می‌گردد. (عبدالله دراز، ۱۴۲۳، ص. ۹۹).

۲-۳-۱. مدل هدایتی تکلیف‌مدار زیست مؤمنانه

تحلیل ویژگی تکلیف‌گرایی و کنشگری در چارچوب نظام اخلاقی قرآن‌بنیان نشان می‌دهد که این خصیصه، وجه عملی و جهت‌دهنده‌ی نظام هدایت است؛ سازوکاری که در آن، هدایت الهی در میدان انتخاب و فعل انسانی فعلیت می‌یابد. در این منطق، انسان موجودی است که آزادی‌اش در تکلیف معنا می‌شود و تکلیف او در آزادی مسئولانه تفسیر می‌گردد. بدین‌سان، تکلیف‌گرایی نه شکل انفعالی اطاعت، بلکه نمود آگاهانه‌ی کنش ایمانی است.

بر مبنای یافته‌های پژوهش، الگوی پیشنهادی با عنوان «مدل هدایتی تکلیف‌مدار زیست مؤمنانه»، نظامی تحلیلی برای تبیین فرآیند تحقق هدایت در ساحت عمل انسانی ارائه می‌دهد. این مدل همچون دو مدل پیشین واجد پنج سطح پیوسته و علی‌است که از مبنای وحی آغاز شده و در سطح تمدنی، به مسئولیت اخلاقی - اجتماعی در ساخت جامعه مؤمنانه منتهی می‌گردد.

نسبت با زیست مؤمنانه	کارکرد اصلی	سطح نظام هدایتی
ترسیم نسبت تشریحی انسان با خداوند و پیدایش مسئولیت وجودی در زندگی ایمانی	تشریح فعل اخلاقی بر مبنای دعوت آگاهانه‌ی الهی؛ صدور تکلیف از علم و اراده‌ی خداوند	سطح بنیاد هدایت (وحیانی)
شکل‌گیری خودآگاهی اخلاقی و بصیرت ایمانی به‌عنوان مقدمه‌ی کنش مسئولانه	ادراک عقلانی از نسبت میان آگاهی، انتخاب و تکلیف؛ فهم تکلیف به‌مثابه مسیر رشد آزادانه در چارچوب هدایت	سطح معرفتی - ادراکی
تنظیم عقلانی - ایمانی رفتار اخلاقی در نسبت با ارزش‌های وحیانی	تبدیل آگاهی هدایت‌محور به قواعد الزام‌آور اخلاقی؛ تعیین حدود وظیفه و اختیار در تصمیم‌گیری‌های ایمانی	سطح هنجاری (تطبیقی - زمانمند)

بروز کنشگری اخلاقی و اجتماع‌پذیری ارزش‌های دینی در میدان عمل جمعی	ظهور تکلیف‌گرایی در کنش‌ها و مناسبات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی؛ ترجمان ایمان در عرصه‌ی عمل	سطح رفتاری - اجتماعی
تحقق تمدن مؤمنانه و تبدیل ایمان به نیروی تمدن‌ساز در تاریخ بشر	تبلور مسئولیت اجتماعی در مقیاس تمدن؛ پیوند تکلیف فردی با رسالت جمعی عدالت، خدمت و اصلاح جهانی	سطح تمدنی - جهانی

جدول ۳. سطوح و کارکردهای مدل هدایتی تکلیف‌مدار زیست مؤمنانه

رابطه‌ی میان سطوح پنج‌گانه، رابطه‌ای علی و طولی دارد:

وحی → آگاهی → تکلیف → کنش → مسئولیت تمدنی.

در این زنجیره، «آگاهی» حلقه‌ی انتقال هدایت به حوزه‌ی اراده‌ی انسانی است و «تکلیف»، صورت‌تکوینی و تشریحی این آگاهی در جهت فعل الهی است. رفتار و تمدن، به‌نوبه‌ی خود، محصول تحقق آگاهانه‌ی این تکلیف‌اند.

پیوستگی این سطوح، منطق درونی فعلیت هدایت را تبیین می‌کند؛ بدین‌سان که هدایت الهی از درون انسان تا بستر جامعه و تمدن امتداد می‌یابد و آزادی مؤمن در قالب تکلیف معنا پیدا می‌کند. هر سطح، بسط وجودی سطح پیشین و مقدمه وصول به مرتبه بالاتر است. بنابراین نظام هدایت در این مدل، شبکه‌ای زنده از جریان اراده الهی در اراده انسانی است.

گزاره‌های راهبردی - راهکاری استخراج‌شده از مدل عبارت است از:

- گزاره‌ی راهبردی مسئولیت‌محور: فعل اخلاقی در زیست مؤمنانه، پاسخ آزادانه و مسئولانه‌ی انسان به دعوت الهی است. از این رو، تکلیف در حقیقت شکلی از آزادی است که در نسبت با هدایت معنا پیدا می‌کند و به کنش الهی منتهی می‌شود.
- گزاره‌ی راهبردی کنش‌تمدنی: تکلیف، رسالت جمعی دارد و فهم آن در سطح اجتماعی، بنیان‌شکل‌گیری جامعه‌ی مؤمنانه است. تحقق تمدن مبتنی بر ایمان، تنها هنگامی میسر است که تکلیف به عنوان مسئولیت اجتماعی در سپهر عدالت، علم و فرهنگ نهادینه شود.

- گزاره‌ی راهکاری اجرایی نهادسازی تکلیف‌محور: تحقق کنش اخلاقی پایدار، مستلزم ساخت نهادهایی است که روح تکلیف را در عرصه‌های آموزش، رسانه، مدیریت و سیاست به رفتار عینی تبدیل کنند و انگیزش ایمانی را به سامانه‌ی کنش مؤمنانه تبدیل نمایند.

مدل هدایتی تکلیف‌مدار زیست مؤمنانه، نقش واسط میان هدایت و عمل را ایفا می‌کند و چهار کارکرد بنیادین در باطنراحی زیست ایمانی دارد:

- کارکرد درک وجودی تکلیف (سطح بنیاد و معرفتی): تکلیف بیانگر نسبت هستی‌شناختی انسان با خداوند است. هر تکلیف، فراخوانی جهت به فعلیت رساندن استعداد الهی انسان و شکفتن آزادی او در مسیر هدایت است.

- کارکرد تنظیم کنش اخلاقی (سطح هنجاری): ارزش اخلاقی رفتار در این مدل به نیت و آگاهی در چارچوب هدایت وابسته است. نظام تکلیف‌گرایی، اخلاق را از سطح توصیه به سطح تصمیم‌سازی ایمانی ارتقاء می‌دهد.

- کارکرد نهادینه‌سازی مسئولیت اجتماعی (سطح رفتاری - اجتماعی): تکلیف‌هنگامی که درون‌زا و جمعی شود، به روح حیات اجتماعی بدل می‌گردد. جامعه‌ی مؤمن، جامعه‌ای است که در آن هر فرد و نهاد، سهمی الهی در آبادانی و اصلاح جهان احساس می‌کند.

- کارکرد تعمیم جهانی عدالت (سطح تمدنی - جهان‌گستر): تکلیف‌گرایی، انسان مؤمن را از مسئولیت فردی به مشارکت جهانی می‌رساند. دفاع از عدالت، کرامت و صلح در نظام بین‌المللی، صورتی از «کنش تمدنی تکلیف‌محور» است.

در نتیجه، زیست مؤمنانه در این مدل، اطاعت منفعل نیست بلکه کنش آزاد در مدار اراده الهی است که آگاهی، ایمان و مسئولیت را در نظامی واحد جمع می‌کند و زمینه تحقق تمدن مؤمنانه‌ای را فراهم می‌سازد که بر پایه آزادی مسئولانه و پیوستگی وجودی هدایت در تاریخ انسان استوار است.

۲-۴. ارزش‌گرایی و عبور از چالش‌های مدرن

یکی دیگر از ویژگی‌های نظام اخلاقی، مرتبه و مرحله‌بندی ارزش‌هاست. بسیاری از مکاتب اخلاقی، ارزش را دارای یک مرحله می‌دانند؛ یعنی در هر کاری، امر، ارزش دارد یا ندارد. در دین اسلام هر یک از این رفتارها مرحله‌ای از ارزش را دارا است (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص. ۳۵۶).

ارزش اخلاقی تابع تأثیری است که فعل اخلاقی در تحصیل آن نتیجه مطلوب یعنی کمال و سعادت حقیقی انسان دارد. اگر تأثیر مثبت داشته باشد فعل اخلاقی دارای ارزش مثبت خواهد بود و به عبارت دیگر، فضیلت شمرده می‌شود. اگر نتیجه منفی داشته باشد؛ یعنی انسان را از کمال باز دارد دارای ارزش منفی بوده و رذیلت خوانده می‌شود. و چنانچه اهمیتی بر مثبت یا منفی بودن نتیجه داده نشود، فاقد ارزش یا دارای ارزش خنثی تلقی می‌شود (همان، ص. ۳۲۸).

خداوند متعال این تأثیر فعل اخلاقی در نظام‌سازی اخلاقی که در صورت مثبت بودن سبب رشد و تعالی جامعه و امت می‌شود به وضوح در آیات ۱۱ تا ۱۸ سوره بلد به تصویر کشیده است و می‌فرماید: «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ* وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ* فَكُ رَقَبَةً* أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْئَلَةٍ* يَتَّبِعُهَا ذَا مَقْرَبَةٍ* أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ* ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ* أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ» در این آیات، بندگان ناسپاس مورد سرزنش قرار گرفته که با داشتن تمامی ابزار سعادت، مسیر فلاح و رستگاری را نپیموده‌اند و نخست می‌فرماید: «این انسان ناسپاس از آن‌گونه بزرگ بالا نرفت» سپس می‌فرماید: «تو نمی‌دانی آن‌گونه چیست؟»، «آزاد کردن برده است»، «یا اطعام کردن در روز گرسنگی»، «یتیمی از خویشاوندان را»، «یا مستمندی به خاک افتاده را».

این‌گونه صعب‌العبور؛ مجموعه اعمال خیر مبتنی بر محور خدمت به خلق و امداد ضعیفان می‌باشد و گذر آن با مدنظر قرار دادن حب شدید اکثر مردم به مال و ثروت‌اندوختن، امری دشواری است. اسلام و ایمان خالص با ادعا و گفتار حاصل نمی‌شود، بلکه با استمداد از روح ایمان و اخلاص، اخلاق والایی همچون صبر و عواطف انسانیت و اعمال صالح همچون آزادی بردگان، اطعام یتیمان و مسکینان حاصل می‌گردد، به عبارت دیگر در سه میدان ایمان و اخلاق و عمل گام بگذارند و

سربلند و سرافراز بیرون آیند تا جریانی عمومی در جامعه شکل گیرد و افراد یکدیگر را به رعایت و حفظ این اصول توصیه نموده که منجر به پیوندهای اجتماعی مستحکم تر شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج. ۲۷، ص. ۲۸-۳۱).

بنابراین این ویژگی، حیات مؤمنان را با اولویت بندی ارزش های قرآن بنیان بازطراحی نموده و با قرار دادن ارزش ها در سه عرصه محوری ایمان، اخلاق و عمل در سلسله مراتب الهی، زیست ایمان را از تشتت و سردرگمی ارزشی مصون داشته و هدایت گر رشد و تعالی حیات بشری می گردد.

۲-۴-۱. مدل هدایتی ارزش مدار زیست مؤمنانه

تحلیل خصیصه‌ی ارزش گرایی در نظام اخلاقی قرآن بنیان نشان می دهد که اساساً غایت هدایت الهی، بازگرداندن انسان به مدار معنا و ارزش است. قرآن کریم، با تثبیت نظام ارزشی مطلق و الهی در برابر نسبی گرایی مدرن، انسان را از سرگشتگی معنا و بحران داوری نجات می دهد. در این منطق، ارزش صرفاً «قرارداد اجتماعی» یا «سود اخلاقی» نیست، بلکه شعاعی از حقیقت الهی است که در متن هستی ساری است.

بر مبنای یافته های نظری، الگوی پیشنهادی با عنوان «مدل هدایتی ارزش مدار زیست مؤمنانه»، سازوکار تولید و حفظ معنا در بستر هدایت الهی را تبیین می کند. این نظام، ضمن مقابله با بحران نسبیّت و فابده گرایی مدرن، عقل ایمانی را به مرجع داوری در انتخاب ها بازمی گرداند. سطوح پنج گانه زیر بیانگر مسیر تکوین معنا تا تحقق تمدنی ارزش هاست.

نسبت با زیست مؤمنانه	کارکرد اصلی	سطح نظام هدایتی
استقرار مبنای مطلق ارزش ها و طرد نسبیّت اخلاقی در زیست ایمانی	صدور ارزش از منبع الهی؛ تثبیت حق و خیر به مثابه واقعیت عینی هستی	سطح بنیاد هدایت (وحيانی)
بازسازی بنیان داوری اخلاقی انسان مؤمن بر محور معنا و غایت مندی	تحقق شناخت ارزش ها از طریق وحی و عقل مؤید؛ تبیین پیوند معنا، خیر و کمال	سطح معرفتی - ادراکی
تبدیل ایمان به نظام تمییز خیر و شر و بازتولید وجدان الهی در جامعه	ترجمه ارزش های پایدار به معیارهای رفتاری و قواعد سنجش تصمیم اخلاقی	سطح هنجاری (ارزش مدار)
شکل دهی فرهنگ مسئولیت، عدالت، امانت و صداقت در زیست جمعی	بروز ارزش ها در رفتار، تعاملات، نهادها و مناسک اجتماعی	سطح رفتاری - اجتماعی

ارائه الگوی تمدن مؤمنانه به عنوان بدیلی در برابر بحران اخلاق مدرن	بسط ارزش‌های الهی در نظام‌های فرهنگی و سیاسی بین‌المللی	سطح تمدنی - جهانی
---	---	----------------------

جدول ۴. سطوح و کارکردهای مدل هدایتی ارزش‌مدار زیست مؤمنانه

زنجیره‌ی علیّی این مدل به صورت زیر است:

وحی → معنا → ارزش → داوری اخلاقی → انسجام فرهنگی-تمدنی

در این ساختار، وحی سرچشمه معناست و معنا در ساحت شناخت، به ارزش تبدیل می‌شود؛ ارزش در حوزه انتخاب و داوری، معیاری برای کنش است و مجموعه این سطوح به انسجام فرهنگی و تمدنی منتهی می‌گردد. بنابراین ارزش‌گرایی الهی در نظام اخلاقی قرآن، قدرت بازآفرینی انسجام در جهانی را دارد که از بحران معنا رنج می‌برد.

گزاره‌های راهبردی - راهکاری این مدل عبارتند از:

گزاره راهبردی مبنای‌گرایانه: ارزش در منطق توحیدی، امری مستقل از قراردادهای انسانی است. در این دستگاه، «خیر» بر مبنای حقیقت و عدل الهی تعریف می‌شود؛ بدین سان اخلاق، ریشه در هستی‌شناسی توحیدی می‌یابد.

گزاره راهبردی عبور از نسبیّت مدرن: عقل مدرن با گسستن پیوند ارزش و حقیقت به بحران نسبی‌گرایی رسیده است. نظام ارزش‌مدار الهی، با اتصال عقل به وحی، معیاری فراتاریخی برای داوری به دست می‌دهد و از فروپاشی معنای خیر و شر جلوگیری می‌کند.

گزاره راهکاری اجرایی - گفتمان‌سازی ارزش‌ها: استقرار زیست مؤمنانه در جامعه مدرن، نیازمند بازتولید زبان ارزش است. از طریق آموزش، رسانه و علم انسانی الهی باید نظام داوری اخلاقی را از سطح شعاری به سطح زبانی و فرهنگی انتقال داد تا ارزش‌ها در ذهن و رفتار عموم بازنویسی شوند.

مدل ارزش‌مدار، ستون انسجام معنوی در طراحی نظام اخلاقی قرآن‌بنیان است و چهار دلالت کلیدی در بازطراحی زیست مؤمنانه دارد:

- کارکرد هستی‌شناختی ارزش: ارزش‌ها در قرآن اموری تکوینی‌اند که بیانگر نسبت وجودی انسان با کمال الهی‌اند و بدین سان به زندگی معنا می‌بخشند.

- کارکرد معرفتی - ارزیابانه: این مدل، عقل مؤمنانه را از وابستگی به داوری‌های نسبی و ایدئولوژیک رها کرده و معیاری الهی برای تمیز حق از باطل ارائه می‌کند.

- کارکرد اجتماعی - فرهنگی: بازسازی گفتمان عمومی بر محور ارزش، موجب بازپیوند ایمان و اخلاق در جامعه می‌شود و بحران پراکندگی و مصرف‌زدگی اخلاقی را درمان می‌کند.

- کارکرد تمدنی - جهانی: ارزش‌گرایی الهی قادر است در برابر جهان سکولار بی‌معنا، زبان معنوی مشترک برای گفت‌وگوی تمدن‌ها ایجاد نماید که عدالت، کرامت و حقیقت را مبنای تعامل جهانی می‌کند.

در این چشم‌انداز، زیست مؤمنانه به معنای حضور آگاهانه در جهانی متکثر و پرامکان است در حالی که معیار داوری و جهت‌کنش بر ثبات حقیقت و ارزش‌های الهی استوار می‌ماند. بدین ترتیب، در مواجهه با جریان‌های نسبیست‌گرایی معاصر، انسان مؤمن با حفظ مبانی الهی و التزام عقلانی به ارزش‌های مطلق، ثبات هویتی خویش را حفظ کرده و به عامل کنش اخلاقی معنامحور در عرصه اجتماعی و معرفتی تبدیل می‌شود.

۲-۵. نقش اختیارگرایی در مسئولیت‌پذیری زیست ایمانی

عنصر اختیار به عنوان مبنای مسئولیت‌ها در نظام اخلاقی قرآن‌بنیان شناخته می‌شود. صدور افعال اختیاری، ثمره علل ناقصه متعددی است که برخی از آنها اضطراری و برخی در اختیار انسان‌اند و با خواست و قصد وی صورت می‌پذیرند. با فراهم آمدن همه این علل ناقصه، از غیراختیاری گرفته تا اختیاری، علت تامه صدور افعال اختیاری شکل می‌گیرد و صدور فعل، به مرحله ضروری می‌رسد که در عین ضرورت، مقابل اختیار انسان و در تضاد و تنافی با آن نیست (حسینی، ۱۴۰۱، ص. ۷۵). از حیث معناشناختی، فاعل مختار، فاعلی است که صدور فعل وی، ناشی از علم، اراده و رضایت به انجام دادن آن است (صدرالمتالهین، ۱۹۸۱، ج. ۷، ص. ۳۳۲) و از حیث «وجودشناختی» انسان در عین داشتن اختیار، مضطر است؛ زیرا همه افعال و آثاری که در این جهان به ظهور و عرصه وجود می‌رسند؛ پیش از آن با هیئت و زمان خود در جهان دیگری که فوق جهان مادی است، مقدر گردیده و مبدأ آفریننده برای کل آفرینش، اگر این قدرت را نداشته باشد که جمیع ممکنات را بیافریند و یا برخی از آنها از مصلحت، علم، قدرت و ایجاد او بیرون بمانند؛ این معنا با مبدأ کل بودن او در تنافی خواهد بود (حسینی، ۱۴۰۱، ص. ۷۶).

فعل ناشی از اراده و اختیار انسان وقتی انگیزه‌اش از نفس باشد، کیفیت، کمیت، شکل، خصوصیات مکانی، زمانی و دیگر مشخصات کار تابع انگیزه خواهد بود. طبق این اصل، هر انگیزه خاص رابطه مخصوصی با نوع کار، کمیت و کیفیت خاصی دارد، ولی نکته قابل توجه این که گاهی کاری ممکن است با انگیزه‌های مختلف انجام گیرد. بنابراین مناسبتی بین انگیزه و خصوصیات کار وجود دارد. از هر انگیزه‌ای هر کاری سرچشمه نمی‌گیرد و در طرف مقابل هر کاری هم به هر نیتی انجام نمی‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص. ۳۳۸).

در قرآن کریم در بیان سیرت اهل ایمان آمده است که افراد در نظام اخلاقی در اثر استقامت در اداء وظایف دینی، قیام و پیروی از برنامه قرآن کریم با اعمال خود به سعادت ابدی، تعالی و رشد دست می‌یابند و بدین طریق خود را شایسته هدف نهایی نظام‌سازی اخلاقی قرار داده است. در آیات «إِنَّ الدِّينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ* أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ «کسانی که گفتند: پروردگار ما الله است، سپس استقامت کردند، نه ترسی برای آنان است و نه اندوهگین می‌شوند. آنها اهل بهشتند و جاودانه در آن می‌مانند؛ این پاداش اعمالی است که انجام می‌دادند» (احقاف، ۱۳-۱۴) اشاره گردیده انسان به طور طبیعی، خواهان آرامش و زندگانی جاوید است و خداوند، راه رسیدن به تمام این خواسته‌ها را در گرو ایمان و عمل صالح پایدار می‌داند. تعبیر «جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» از يك سو دلیل بر این است که بهشت را به بها می‌دهند، و به بهانه نمی‌دهند و از سوی دیگر اشاره به اصل آزادی اراده و اختیار انسان است (قرائتی، ۱۳۸۸، ج. ۹، ص. ۳۱-۳۲).

۲-۵-۱. مدل هدایتی اختیار محور زیست مؤمنانه

اختیار در منطق قرآنی، بنیادی‌ترین مؤلفه‌ی کرامت و مسئولیت انسان است. انسان در نظام اخلاقی قرآن، موجودی است که آزادی‌اش در نسبت با هدایت معنا می‌یابد؛ یعنی آزادی نه در رهایی از هدایت، بلکه در پذیرش آگاهانه‌ی آن تحقق می‌یابد. بر این اساس، اختیارگرایی در دستگاه اخلاقی قرآن، به معنای پذیرش آزادی هدایت‌شده و التزام عقلانی به مسئولیت‌های ناشی از آن است.

مدل هدایتی اختیار محور، سازوکاری تحلیلی برای تبیین نسبت «اراده انسانی» با «امر الهی» در شکل‌دهی به زیست مؤمنانه ارائه می‌دهد. این مدل روشن می‌سازد که مسئولیت در حیات ایمانی، نتیجه‌ی آگاهی و آزادی درونی است که در مسیر هدایت الهی جهت می‌گیرد.

سطح نظام هدایتی	کارکرد اصلی	نسبت با زیست مؤمنانه
سطح بنیاد هدایت (وحیانی)	اعطای قدرت انتخاب و مسئولیت به انسان به عنوان موجود مختار در چارچوب مشیت الهی	تبیین نسبت تکوینی و تشریحی اختیار با هدایت الهی
سطح معرفتی - ادراکی	تشخیص خیر و شر از طریق عقل و وحی؛ درک نسبت آزادی و الزام در نظام الهی	آگاهی مؤمن از اراده‌ی خویش به مثابه ابزار تحقق هدایت
سطح هنجاری (اراده‌ی اخلاقی)	تبدیل اختیار به معیار اخلاقی: فعل نیک آن است که با آگاهی و اراده در جهت هدایت انجام گیرد	تکوین اراده‌ی اخلاقی و نفی جبرگرایی در تبیین عمل دینی
سطح رفتاری - اجتماعی	بروز اختیار هدایت‌شده در تصمیم‌های فردی و جمعی؛ پذیرش مسئولیت نتایج کنش‌ها	مسئولیت‌پذیری اجتماعی و پرهیز از فرافکنی در رفتار جمعی
سطح تمدنی - جهانی	تبلور آزادی هدایت‌محور در ساخت فرهنگ و تمدن؛ انتخاب آگاهانه‌ی عدالت و عقلانیت	شکل‌گیری تمدن ایمانی مبتنی بر اختیار اخلاقی و مسئولیت جهانی

جدول ۵. سطوح و کارکردهای مدل هدایتی اختیار محور زیست مؤمنانه

زنجیره‌ی علیّی مدل چنین تبیین می‌شود:

وحی → آگاهی → اختیار → مسئولیت → رشد اخلاقی - تمدنی

در این زنجیره، وحی سرچشمه آگاهی و ضابطه‌ی اختیار است؛ آگاهی، اختیار را از سطح میل به سطح خودفهمی متعهدانه ارتقا می‌دهد و اختیار، منشأ مسئولیت است که با تحقق آن، انسان در مسیر رشد اخلاقی و تمدنی قرار می‌گیرد. بدین ترتیب، اختیار نقطه تلاقی هدایت الهی و کنش انسانی است که از یک سو آزادی را تصدیق و از سوی دیگر آن را در مدار معنا و حق سامان می‌دهد.

گزاره‌های راهبردی - راهکاری عبارتند از:

گزاره‌ی نظری - کلامی: اختیار در قرآن، نشانه‌ی تمکین الهی و بروز کرامت انسانی است. انسان به قدر آگاهی و اراده‌ی خویش، مسئول است و این مسئولیت عین آزادی حقیقی اوست.

گزاره‌ی اخلاقی - کنشی: فعل اخلاقی زمانی ارزشمند است که برخاسته از اختیار آگاهانه در جهت هدایت باشد. از این رو، جبرگرایی یا تقلید محض، نفی‌کننده ارزش اخلاقی فعل است.

گزاره‌ی تمدنی - راهبردی: تمدن مؤمنانه از انتخاب آگاهانه‌ی ارزش‌ها و نهادسازی بر مبنای اراده‌ی الهی انسان مؤمن شکل می‌گیرد.

مدل هدایتی اختیارمحور با هدف تبیین پیوند میان اراده و مسئولیت، چهار دلالت کلیدی در بازطراحی زیست مؤمنانه دارد:

- کارکرد انسان‌شناختی: اختیار، شاخص تمایز انسان از سایر مخلوقات است و مبنای استعداد او برای اخلاق و هدایت محسوب می‌شود.

- کارکرد معرفتی - هنجاری: در نظام اخلاقی قرآن، فهم اختیار، شرط تحقق تکلیف است. مسئولیت تنها زمانی معنا دارد که فعل از آگاهی و انتخاب نشأت گرفته باشد.

- کارکرد اجتماعی: جامعه‌ی مؤمن زمانی پایدار است که افراد پیامد رفتار خویش را بپذیرند و مسئولیت اخلاقی خویش را به دیگری تحمیل نکنند. این امر، بنیان عدالت اجتماعی و نظم ایمانی را شکل می‌دهد.

- کارکرد تمدنی: تمدن دینی، محصول جمعی از اراده‌های هدایت‌شده است. فرهنگ مسئولیت، در هنگامی شکل می‌گیرد که آزادی در خدمت ارزش و معنا قرار گیرد و کنش‌های انسانی معطوف به هدف الهی گردند.

در نظام اخلاقی قرآن‌بنیان، اختیار در نسبت هماهنگ با هدایت و آزادی عمل می‌کند و میان آن دو نوعی توازن مفهومی و کارکردی برقرار می‌سازد. مسئولیت‌پذیری در زیست ایمانی حاصل آزادی هدایت‌شده‌ای است که بر پایه آگاهی از منبع ارزش و اراده‌ی الهی سامان می‌یابد. بر این مبنای، الگوی اختیارمحور تبیین می‌کند که رشد اخلاقی انسان زمانی تحقق می‌یابد که توانایی پیوند دادن خواستن فردی با الزام الهی در او شکل گیرد و از این طریق، زندگی خویش را آگاهانه، مسئولانه و در مسیر کمال اخلاقی سامان دهد.

۲-۶. نقش فطرت‌گرایی در بازطراحی زیست ایمانی

در مباحث معرفتی و اعتقادی، فطرت، وضع ذاتی و آغازین هر موجودی است که بر اساس آن، پا به عرصه وجود نهاده و درست و نادرست تحولات و مراحل پیش‌روی سنجیده می‌شوند. اهمیت فطریات از این حیث است که جزء مقدمات بنیادین دانش

بشر و استدلال‌ها برای اثبات مقاصد یقینی و برهانی به شمار می‌آیند. از این‌رو، یکی از انواع بدیهیات است که در مقام اثبات نیاز به دلیل و برهان ندارند و بر اثر شدت وضوح و بدهات، دلیل آنها همراه خودشان است (ابن‌سینا، ۱۴۰۴، ج. ۳، ص. ۶۴؛ سهروردی، ۱۳۷۲، ج. ۱، ص. ۱۹۹؛ میرداماد، ۱۳۸۵، ص. ۲۲۸). همه مبادی و بنیان‌های اندیشه بشری، اعم از تصویری و تطبیقی، به فطریات منتهی گشته و اگر در مواردی برخی فطریات نیازمند تنبه جهت تداعی در ذهن باشند؛ چنین تنبیهاتی در واقع برای افاده علم جدیدی نیست که در نفس انسان سابقه‌ای نداشته باشد، بلکه به منظور یادآوری صورت می‌پذیرند (شهرزی، ۱۳۸۳، ص. ۲۵-۲۸).

تمامی معارف بشری به دو دسته فطری و غیرفطری تقسیم می‌شوند؛ فطریات در تمام احوال بر معارف غیرفطری مقدم و بنیان‌های آنها را شکل می‌دهند و اگر برای کشف مجهولات و آگاهی از نادانسته‌ها از فکر و اندیشه بهره گرفته شود، هر اندیشه‌ای در نهایت به یافته‌ای فطری می‌رسد و از آن رهگذر به معرفت جدید تبدیل می‌شود. در غیر این‌صورت، معلومات انسانی، به دور یا گرفتار تسلسل دچار می‌شوند (شیرازی، بی‌تا، ص. ۵۰-۵۱).

حرکت به سوی کمال و بندگی از یک سو و تمایلات اخلاقی به شایستگی و عقلانیت اخلاقی از دیگر سو، در زمره تجلیات فطرت آدمی‌اند؛ لیکن انسان فطری، انسانی است که با هم‌نوعان، فطرت واحد و مشترک دارد و خاستگاه آن تنها یک زیبای مطلق و یک خیر اخلاقی به عنوان مبدأ ابدی و لایتغیر است؛ فطرتی که با همه صفات و کمال انسانی عینیت دارد و چنان فراگیر و پویاست که گویی حقیقت افعال انسانی نیز عین آن است. فطرت نه تنها از مقوله معرفت و علم حضوری، بلکه عین آن است که در عمق جان و سرشت آدمی بدون اکتساب و فراگیری نهفته است و از آن، محسنات اخلاقی برخاسته و اخلاقیات بر آن مبتنی می‌باشند.

فطری بودن اراده‌های اخلاقی و رفتارهای ناشی از ملکات نفسانی، بر این اساس استوار است که علاوه بر علل و اسباب برونی، ذات انسان و نفس وی اصلتی دارد که به خودی خود در مواردی می‌تواند منشأ اخلاقیات و رفتارهای او باشد. این نگاه، از جانب فلسفه‌ای می‌تواند مورد تایید قرار گیرد که برای انسان، حقیقت ثابت و لایتغیری معتقد است و همه تحولات پدید آمده در روح و روان وی را بیرون از ذات او نجوید. اگر برای انسان، حقیقت ثابتی وجود نداشته باشد و در تمام احوال و شرایط متحوّل و در حال دگرگونی در نظر گرفته شود؛ در این صورت، کارکرد فطری و منشأ فطرت برای اراده‌های اخلاقی نیز معنایی نخواهد داشت. هر چند انسان و جهان در حال جنبش و تحول مدام‌اند؛ در عین حال، عناصری از انسان که از جمله آنها فطرت اوست، ثابت‌اند. فطرتی که می‌توان از آن به «روح الهی» آدمی تعبیر نمود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «فَأَذَّا سَوِيَّتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ»؛ «هنگامی که آن را نظام بخشیدم و از روح خود در آن دمیدم، برای او به سجده افتید» (ص، ۷۲). بنیان‌های اراده اخلاقی انسان به این حقیقت لایتغیر الهی الهام گردیده؛ چنان‌که می‌فرماید: «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا* فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا»؛ «و قسم به جان آدمی و آن کس که آن را (آفریده و) منظم ساخته، سپس فجور و تقوا (شر و خیرش) را به او الهام کرده است» (شمس، ۷-۸).

قرآن کریم به تمامی گرایش‌های فطری انسان و چگونگی پاسخ‌گویی درست به آنها توجه نموده و در مورد تمامی آنها راهنمایی‌های لازم را ارائه و متقن‌ترین راه برای پاسخ‌گویی معتدلانه به تمامی اقتضانات فطری انسان پیش‌روی قرار می‌دهند.

خداوند متعال می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»؛ «پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار؛ ولی اکثر مردم نمی‌دانند» (روم، ۳۰) در این آیه منظور از اقامه وجه برای دین، روی آوردن به سوی دین اسلام است. انسان نیز همانند سایر مخلوقات دارای فطرتی است که وی را به سوی رفع و تکمیل نیازمندی‌ها و نواقصش رهنمون می‌نماید و در این مسیر با تبیین منافع و اضرار، راه و روش زندگی سعادت‌مندان را برای وی مهیا می‌نماید (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج. ۱۶، ص. ۱۷۸).

۲-۶-۱. مدل هدایتی فطرت‌محور زیست مؤمنانه

فطرت در منطق قرآن، بنیادی‌ترین منشأ گرایش اخلاقی و سرچشمه‌ی چرایی هدایت است. انسان در دیدگاه قرآنی، شخصیتی است که در نهاد او معرفت به خیر و میل به حق تعیبه شده است و هدایت و حیانی، فعلیت‌بخش این استعداد ذاتی است. در این معنا، فطرت‌گرایی، آگاهی درونی و هماهنگی ذاتی انسان با حقایق الهی است.

مدل هدایتی فطرت‌محور، سازوکاری تحلیلی برای تبیین نسبت «هدایت و حیانی» و «خودآگاهی فطری» در بازطراحی زیست مؤمنانه ارائه می‌دهد. این مدل بیان می‌کند که بازسازی اخلاق در حیات ایمانی از درون انسان آغاز می‌شود؛ زیرا وحی نقش یادآور حقیقت خفته‌ی در فطرت انسانی را دارد و تربیت اخلاقی قرآنی، بازگشت سنجیده و روشمند به همین حقیقت است.

نسبت با زیست مؤمنانه	کارکرد اصلی	سطح نظام هدایتی
تبیین الهی بودن ادراک خیر و گرایش به ارزش‌ها در ساخت وجودی انسان	آشکارسازی نسبت میان وحی و فطرت؛ وحی به عنوان یادآور حقیقت درونی انسان	سطح بنیاد هدایت (و حیانی)
شکل‌گیری عقل اخلاقی مؤمن و تقویت توان تشخیص ارزش‌ها	به فعلیت رسیدن آگاهی درونی از خیر و حق در پرتو تذکر و حیانی	سطح معرفتی - شناختی
تثبیت ملکات اخلاقی بر مبنای وجدان ارزشی نه اطاعت صرف	تبدیل گرایش فطری به قواعد درونی الزام‌آور اخلاقی	سطح هنجاری (وجدان اخلاقی)
ترویج عدالت، صداقت و کرامت در بستر اجتماع ایمانی	بروز وجدان فطری در روابط انسانی و نهادهای اجتماعی	سطح رفتاری - اجتماعی

بازسازی تمدن انسانی بر اساس وجدان الهی مشترک میان ملتها	تبلور فطرت الهی در ساخت تمدن عقلانی و عدالت مدار	سطح تمدنی - جهانی
---	--	----------------------

جدول ۶. سطوح و کارکردهای مدل هدایتی فطرت محور زیست مؤمنانه

زنجیره‌ی علی مدل چنین تبیین می‌شود:

وحی → تذکر → فطرت → تشخیص و گرایش → سامان اخلاقی - تمدنی

در این زنجیره، وحی با برانگیختن تذکر، آگاهی نهفته در فطرت را فعلیت می‌بخشد. فطرت، پشتوانه درونی سنجش خیر و شر است و از رهگذر این آگاهی درونی، گرایش‌های اخلاقی در نظام رفتار و نهادهای انسانی متجلی می‌گردند. به این ترتیب، سامان اخلاقی زیست ایمانی بر هم‌افزایی میان وحی و فطرت استوار می‌شود.

گزاره‌های راهبردی - راهکاری این مدل عبارتند از:

۱. گزاره‌ی انسان‌شناختی: فطرت، گوهر الهی و سرچشمه‌ی کرامت انسان است که امکان تشخیص خیر و زیبایی اخلاقی را در نهاد او فراهم ساخته است.

۲. گزاره‌ی معرفتی - ارزشی: در نظام اخلاقی قرآن، هدایت حقیقی در هم‌سویی میان وحی و فطرت حاصل می‌شود. ارزش‌ها هنگامی درونی می‌گردند که انسان به آگاهی فطری خویش بازگردد.

۳. گزاره‌ی اخلاقی - کنشی: فعل اخلاقی هنگامی اصالت می‌یابد که بر وجدان فطری آگاه استوار باشد؛ بدین معنا، بیداری فطرت شرط صداقت اخلاقی انسان است.

۴. گزاره‌ی تمدنی - راهبردی: تمدن مؤمنانه زمانی پدید می‌آید که نظام تربیتی و فرهنگی جامعه، فطرت انسان را فعلیت بخشد و از آن، بنیان عقلانیت و عدالت را استخراج کند.

مدل هدایتی فطرت محور با هدف تحلیل پیوند میان آگاهی درونی و هدایت بیرونی، چهار دلالت اساسی در بازسازی زیست ایمانی دارد:

- کارکرد انسان‌شناختی: فطرت، وجه تمایز انسان از سایر موجودات و منبع درونی گرایش به حق و خیر است. تربیت ایمانی، شکوفاسازی همین استعداد تکوینی است.

- کارکرد معرفتی - هنجاری: درک فطری از خیر، مبنای استدلال اخلاقی در قرآن است. داوری اخلاقی زمانی تمامیت دارد که با وجدان الهی درون انسان همخوان باشد.

- کارکرد اجتماعی: جامعه زمانی اخلاقی می‌شود که ساختار آن به بیداری و پرورش فطرت جمعی یاری رساند؛ هر نظم اجتماعی که وجدان انسانی را نادیده بگیرد، از درون زوال‌پذیر است.

- کارکرد تمدنی: تمدن ایمانی تبلور هماهنگی عقل، فطرت و وحی است. چنین تمدنی عدالت، معنویت و کرامت را در کارکردهای نهادهای فرهنگی و اقتصادی نهادینه می‌سازد.

در نظام اخلاقی قرآن بنیان، فطرت محور هماهنگی عقل، هدایت و اخلاق است. زیست ایمانی از درون انسان آغاز می‌شود، آن‌گاه که آگاهی فطری از خیر و حق، به کنش و مسئولیت اخلاقی تبدیل گردد. در این چارچوب، بازگشت به فطرت الهی بازآفرینی آگاهانه حقیقت انسان در ساحت زندگی است.

بدین‌سان، الگوی فطرت‌محور تبیین می‌کند که رشد اخلاقی و تمدنی هنگامی تحقق می‌یابد که انسان میان معرفت درونی، هدایت وحیانی و کنش بیرونی هماهنگی برقرار سازد و از این مسیر، زندگی خود را بر مدار وجدان و عدالت سامان دهد.

نتیجه‌گیری

نظام اخلاقی قرآن بنیان، منظومه‌ای منسجم از مبانی وحیانی، انسان‌شناختی و ارزشی است که هدف آن، بازطراحی زیست مؤمنانه در تمامی ساحت‌های فردی و اجتماعی انسان است. قرآن کریم با ارائه الگویی هماهنگ از معرفت، باور و عمل، ساختاری را بنیان می‌نهد که در آن، اخلاق نه تنها مجموعه‌ای از قواعد رفتاری، بلکه نظامی هدایتی برای تعالی انسان و جامعه تلقی می‌شود.

بر اساس تحلیل انجام شده، ویژگی‌های بنیادین این نظام در شش خصیصه‌ی اصلی تبلور یافته است: توحیدگرایی، استمرار و جاودانگی، تکلیف‌مداری، ارزش‌گرایی، اختیارگرایی و فطرت‌گرایی. هر یک از این خصیصه‌ها، سطحی از حقیقت هدایت را بازنمایی کرده و در پیوند با یکدیگر، شاکله‌ی نظام اخلاقی قرآن را پدید می‌آورند.

۱. توحیدگرایی، پایه و چارچوب نظری همه عناصر نظام است و معنای اخلاق را از وابستگی به ملاحظات انسانی یا اجتماعی رها کرده و به سوی خداوند جهت می‌دهد.

۲. استمرار و جاودانگی، پویایی و قابلیت انطباق ارزش‌ها را در گذر زمان تضمین می‌کند و مانع از فروکاست اخلاق به الگوهای تاریخی یا فرهنگی می‌شود.

۳. تکلیف‌مداری، ضابطه‌ی بروز مسئولیت الهی در رفتار انسان است که بر اساس آگاهی، ایمان و قصد قرب الهی معنا می‌یابد.

۴. ارزش‌گرایی، بنیان ارزیابی و داوری اخلاقی را سامان داده و ارزش‌ها را به حقیقتی ثابت و متعالی تبدیل می‌سازد؛ ارزش‌هایی که نه قراردادی، بلکه برآمده از هدایت وحیانی هستند.

۵. اختیارگرایی، آزادی هدایت‌شده را محور مسئولیت اخلاقی معرفی کرده و نشان می‌دهد که رشد اخلاقی، بدون اراده‌ی آگاهانه ممکن نیست.

۶. فطرت‌گرایی، بستر درونی پذیرش هدایت را آشکار می‌کند و نشان می‌دهد که اخلاق الهی بر اساس بازگشت آگاهانه به سرشت الهی انسان تحقق می‌یابد.

تحلیل تطبیقی این ویژگی‌ها نشان می‌دهد که نظام اخلاقی قرآن بنیان، از منطقی درونی و سلسله‌ای از روابط علیّی برخوردار است که از مبنای وحیانی آغاز و به سطح تمدنی ختم می‌گردد. در همه خصایص شش‌گانه، یک الگوی همسان مشاهده

می‌شود: وحی → آگاهی → تکلیف یا ارزش یا اختیار یا فطرت → کنش اخلاقی → سامان تمدنی. این الگوی پیش‌رونده، پیوستگی معرفتی و عملی اخلاق قرآنی را از درون تضمین می‌کند.

یافته‌های پژوهش نشان داد در پرتو این ساختار، بازطراحی زیست مؤمنانه به معنای تحولی درونی و بنیادین در مناسبات انسان با خدا، خویشتن و جامعه بر محور هدایت الهی است. اخلاق قرآنی در این چشم‌انداز، در هر دو سطح فردی و عرصه‌های فرهنگ، نهاد و تمدن، نقشی معنایزا و سامان‌بخش ایفا می‌کند.

به‌طور کلی، نظام اخلاقی قرآن‌بنیان سه نتیجه‌ی کلیدی برای بازطراحی زیست مؤمنانه به همراه دارد:

۱. در سطح فردی: نظم اخلاقی را از طریق پیوند معرفت، ایمان و اراده در شخصیت مؤمن تحقق می‌بخشد و انسان را از واکنش‌گرایی اخلاقی به خودآگاهی هنجاری سوق می‌دهد؛

۲. در سطح اجتماعی: مبنای هم‌زیستی عدالت‌محور و کرامت‌گرای جوامع ایمانی را فراهم کرده و روابط انسانی را از قدرت‌محوری به ارزش‌محوری منتقل می‌سازد؛

۳. در سطح تمدنی: الگوی توسعه اخلاقی و فرهنگی دین‌مدار را ترسیم می‌کند که در آن، عقلانیت، عدالت و معنویت در خدمت غایت الهی زندگی انسانی قرار می‌گیرند.

نتیجه آنکه نظام اخلاقی قرآن‌بنیان با ترکیب بنیادهای وحیانی و اقتضانات انسانی، چارچوبی جامع، ماندگار و کارآمد برای هدایت انسان معاصر ارائه می‌دهد؛ چارچوبی که از سویی بر واقعیت‌های درونی فطرت تکیه دارد و از سوی دیگر، ظرفیت پاسخ‌گویی به مسائل نوپدید را نیز داراست. از همین رو، این نظام می‌تواند به‌منزله‌ی مبنای نظری و عملی برای تشکیل جامعه‌ای عقلانی، عادلانه و معنوی شناخته شود و جهت‌گیری تمدنی جهان اسلام را به سوی تحقق زیست ایمانی و سعادت حقیقی هدایت نماید.

فهرست منابع

* القرآن الکریم، ترجمه: مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۹ش). قم: انتشارات امام علی بن ابیطالب (ع).

۱. ابن سینا، حسین بن عبدالله. (۱۴۰۴ق). الشفاء (المنطق). قم: مکتبه آیه‌الله المرعشی.

۲. اراکی، محسن. (۱۳۹۳ش). فقه نظام سیاسی اسلام. قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف.

۳. ایازی، سیدمحمدعلی. (۱۳۸۰ش). جامعیت قرآن. رشت: کتاب مبین، رشت.

۴. آکوچکیان، احمد. (۱۳۹۰ش). نظریه تجربه دین‌شناختی اخلاق. قم: مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه.

۵. جعفری، محمد تقی. (۱۳۸۸ش). حیات معقول. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.

۶. جمشیدی، اسدالله. (۱۳۸۲ش). نگاهی قرآنی به حیات معنوی. تهران: کانون اندیشه جوان.

۷. حسینی، عبدالرحیم. (۱۴۰۱ش). آرای اخلاقی ملاصدرا. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۸. رشاد، علی اکبر. (۱۴۰۲ش). فقه تخصصی نظام ساز. تهران: انتشارات حوزه علمیه امام رضا ع.
۹. زاهدی، مرتضی. (۱۴۰۲ش). نظام‌شناسی و نظام‌سازی بر اساس قرآن، گمگشته جوامع اسلامی. تهران: انتشارات آریایی.
۱۰. سهروردی، شهاب‌الدین. (۱۳۷۲ش). مجموعه مصنفات شیخ اشراق. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۱. شهروزی، شمس‌الدین محمد. (۱۳۸۳ش). رسائل الشجره الاهیة فی علوم الحقایق الربانیة. تهران: موسسه حکمت و فلسفه ایران.
۱۲. شیرازی، قطب‌الدین. (بی‌تا). شرح حکمة الاشراق. قم: انتشارات بیدار.
۱۳. صدر، سیدمحمدباقر. (۱۳۹۳ش). بارقه‌ها؛ مقالات، سخنرانی‌ها و یادداشت‌های استاد شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر. مؤذنی، سیدامید. قم: انتشارات دارالصدر.
۱۴. صدر، سیدمحمدباقر. (۱۴۳۴ق). موسوعه الامام الشهد السید محمدباقرالصدر قدس سره. قم: پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر.
۱۵. صدرالمتألهین، محمدبن ابراهیم. (۱۹۸۱م). الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة. بیروت: داراحیاء التراث.
۱۶. صدرالمتألهین، محمدبن ابراهیم. (۱۳۸۳ش). شرح اصول الکافی. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۳ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۸۶ش). نهایه الحکمة. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۹. عبدالله دراز، محمد. (۱۴۲۳ق). دستور الاخلاق فی القرآن. قم: دارالکتاب الاسلامی.
۲۰. قرآنی، محسن. (۱۳۸۸ش). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن.
۲۱. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۴ش). نقد و بررسی مکاتب اخلاقی. تحقیق و نگارش: شریفی، احمدحسین. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ش). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. میرداماد، محمدبن محمدالحسین. (۱۳۸۵ش). القبسات. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۴. هاشمی خویی، میرزا حبیب‌الله. (۱۴۰۰ق). منهاج البراعه. تهران: مکتبه الاسلامیه.
۲۵. یوسفی مقدم، محمدصادق؛ شیعی، امیرحسن. (۱۴۰۰ش). نظام سازی قرآنی؛ نظام اجتماعی و نظام اخلاقی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.